

نگاهی به ابعاد حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

۶. پیرامون نظارت در قلمرو حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

سوم: «تحلیل و بررسی بند «۱۰»

اصل یکصد و دهم قانون اساسی»

کد موضوعی: ۲۴۰

شماره مسلسل: ۱۲۱۹۲

دفتر: مطالعات حقوقی

دی ماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	پیشینه
۷.....	۱. بررسی موضوع مسئولیت رئیس‌جمهور در قوانین اساسی برخی از کشورها
۱۱.....	۲. تحلیل موضوع
۱۲.....	۳. رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی توسط دیوان عالی کشور
۲۶.....	نتیجه‌گیری
۲۸.....	منابع و مآخذ



سوم: «تحلیل و بررسی بند «۱۰» اصل یکصدودهم قانون اساسی»

چکیده

به موجب بند «۱۰» اصل یکصدودهم قانون اساسی دو روش می‌تواند موجبات عزل رئیس‌جمهور را توسط مقام رهبری در صورت صلاحدید ایشان فراهم نماید. روش اول رأی دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی و روش دوم رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت رئیس‌جمهور است. روش رسیدگی مجلس شورای اسلامی به موضوع عدم کفایت رئیس‌جمهور در بند «۲» اصل هشتادونهم قانون اساسی و قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مشخص شده است و در صورتی که نمایندگان اقدام به استیضاح رئیس‌جمهور در رابطه با اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور نمایند و دوسوم از نمایندگان به عدم کفایت وی رأی دهند موضوع برای اعمال اختیار عزل وی به مقام رهبری اعلام می‌شود. در رابطه با رسیدگی دیوان عالی کشور به موضوع تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی نیز هرچند در این رابطه ابهاماتی وجود دارد و قانونگذار با تصویب قانون مربوطه باید به‌طور شفاف نحوه رسیدگی به تخلفات رئیس‌جمهور از وظایف قانونی را در دیوان عالی کشور مشخص نماید، ولی این امر نمی‌تواند مانع انجام این مهم در صورت ضرورت شود و رئیس دیوان عالی کشور می‌تواند به استناد بند

«۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی موضوع را در دستور کار قرار داده و نتیجه را برای اعمال اختیار موضوع بند «۱۰» اصل یکصد و دهم به مقام رهبری ارجاع دهد.

مقدمه

به موجب اصول شصت و یکصد و سیزدهم قانون اساسی رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام کشور و رئیس قوه مجریه است. علیرغم اهمیت این جایگاه، قانونگذار اساسی وی را از مسئولیت مبرا ندانسته و علیرغم اینکه رئیس‌جمهور منتخب مستقیم مردم است وی را در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو دانسته است. همچنین براساس قانون اساسی رئیس‌جمهور به دلیل تخلف از وظایف قانونی قابل پیگرد در دیوان عالی کشور بوده و رأی دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی و یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور می‌تواند موجبات عزل وی توسط مقام رهبری را ایجاد نماید.

به موجب بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی،^۱ دو راهکار برای فراهم نمودن زمینه عزل رئیس‌جمهور توسط مقام رهبری در نظر گرفته شده است:

۱. حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی،
۲. رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم

۱. اصل یکصد و دهم: وظایف و اختیارات رهبر:

...

۱۰. عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.



قانون اساسی.^۱

موضوعی که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت تحلیل و بررسی بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی است.

پیشینه

در قانون اساسی مشروطه با عنایت به نوع نظام سلطنتی کشور، عالی‌ترین مقام اجرایی کشور شخص شاه بود. به موجب اصل چهل و چهارم متمم قانون اساسی مشروطه، پادشاه از مسئولیت مبرا بوده و وزرای دولت در هرگونه امور در برابر مجلسین مسئولیت داشتند. به موجب اصل شصت و نهم این قانون دیوانخانه تمیز، صلاحیت رسیدگی به اتهامات وزرا را دارا بود.^۲

۱. اصل هشتاد و نهم:

...

۲. در صورتی که حداقل یک‌سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و درخصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور، اکثریت دوسوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند «۱۰» اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

۲. اصل شصت و نهم - مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزرا را در محضر دیوانخانه تمیز عنوان خواهند کرد دیوانخانه مزبوره با حضور تمام اعضای مجلس محاکمات دایره خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که به موجب قانون اتهام و اقامه دعوی از دایره ادارات دولتی مرجوعه به شخص وزیر خارج و راجع به خود وزیر باشد.

نتیجه - مادامی که محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضای مجلسین به عهده متساوی نایب مناب محکمه تمیز خواهد شد.

بر این اساس در دوره مشروطه شاه فاقد هرگونه مسئولیت بود و در هیچ موضوعی امکان مؤاخذه وی وجود نداشت.

وزرا دارای دو نوع مسئولیت جزایی و سیاسی بودند و نسبت به اعمال هیئت وزیران نیز دارای مسئولیت جمعی بودند.^۱ در این دوره ریاست هیئت وزیران بر عهده نخست‌وزیر بود که وی نیز مانند وزرا در برابر مجلس دارای مسئولیت بود.^۲ پس از پیروزی انقلاب پیش‌نویسی برای قانون اساسی تهیه شد که به موجب این پیش‌نویس رئیس‌جمهور رئیس کشور و عالی‌ترین مقام قوه مجریه بود که بر همین اساس نیز در برابر مجلس مسئولیت سیاسی نداشت و صرفاً در برابر ملت مسئول بود.^۳ به موجب اصل یکصد و دوم قانون اساسی پیش‌نویس قانون اساسی چنانچه رئیس‌جمهور به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور متهم می‌شد، مجلس شورای ملی باید به اتهام او رسیدگی کرده و اگر سه‌چهارم همه نمایندگان مجلس رأی به تعقیب او می‌دادند هیئت عمومی دیوان عالی کشور به اتهام رسیدگی و طبق قوانین عمومی، مجازات او را معین می‌کرد. براساس همین اصل پس از رأی مجلس به تعقیب، تا صدور رأی نهایی دیوان عالی کشور، رئیس‌جمهور از مقام خود معلق می‌شد و وظایف او را شورای موقت ریاست‌جمهوری انجام می‌داد.^۴

۱. اصل شصت و یکم متمم قانون اساسی مشروطه: وزرا علاوه بر اینکه به‌تنهایی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند.

۲. قاسم قاسم‌زاده، حقوق اساسی، چاپ اول، جنگل، ۱۳۹۰، صص ۴۲۸-۴۲۹.

۳. اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی پیش‌نویس - رئیس‌جمهور در حدود اختیارات خویش در برابر ملت مسئول است.

۴. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، جلد اول، ۱۳۶۴، ص ۱۵.



در همین رابطه اصل یکصد و دوازدهم پیش‌نویس مقرر می‌داشت: نخست‌وزیر و وزیران در صورتی که متهم به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور گردند، اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رأی به تعقیب داد، تعقیب متهم در هیئت عمومی دیوان عالی کشور [صورت می‌گیرد] مجازات این جرائم تابع قوانین عمومی است.^۱

با توجه به اینکه به موجب اصول فوق رسیدگی به اتهام خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیران در صلاحیت هیئت عمومی دیوان عالی کشور دانسته شده بود، در اصل یکصد و سیزدهم پیشنهادی مقرر شده بود که رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای ملی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی تغییراتی در اصول فوق داده شد و متن بند «۵» اصل یکصد و دهم و اصل یکصد و چهارم قانون اساسی^۲ به شکل موجود مورد تصویب قرار گرفت. براساس بند «۵» اصل یکصد و دهم دیوان عالی کشور صلاحیت رسیدگی و صدور حکم در رابطه با تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی را پیدا کرد و براساس همین بند مجلس شورای اسلامی نیز برای رأی عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور صالح شناخته شد.

در قانون اساسی پیش از بازنگری، اگرچه برکناری رئیس‌جمهور از طریق رأی

۱. همان، ص ۱۷.

۲. اصل یکصد و چهارم: رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

عدم کفایت سیاسی مجلس شورای اسلامی به صورت اجمالی در بند «۵» اصل یکصد و نهم اشاره شده بود، لکن ترتیب خاصی برای نحوه بررسی عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته نشده بود. در هنگام مطرح شدن موضوع بررسی عدم کفایت اولین رئیس‌جمهور، قانونی در رابطه با نحوه بررسی موضوع در مجلس شورای اسلامی وجود نداشت و به همین دلیل نیز طرحی دو فوریتی با عنوان «آیین‌نامه چگونگی بررسی عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور» به مجلس ارائه شد^۱ و مورد تصویب نمایندگان و تأیید شورای نگهبان قرار گرفت^۲ که جزئیات نحوه رسیدگی به موضوع عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور را مشخص می‌کرد. به موجب ماده (۱) این قانون تقاضای رأی به عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور وقتی قابل طرح در مجلس بود که حداقل به امضای یک‌سوم نمایندگان رسیده باشد. ماده (۲) قانون فوق مقرر می‌داشت: تقاضای مزبور باید کتیباً در جلسه علنی به رئیس مجلس داده شده و در اولین جلسه قرائت و از رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم برسد. براساس ماده (۳) این قانون وقت برای مذاکره طرفین هر کدام حداکثر ۵ (پنج) ساعت بود که باید متناوباً انجام می‌پذیرفت. به موجب تبصره «۱» این ماده مدت صحبت برای هر یک از موافقین یا مخالفین حداکثر نیم ساعت بود که با رأی مجلس تا یک ساعت قابل تمدید بود. تبصره «۲» ماده فوق مقرر می‌داشت: «رئیس‌جمهور می‌تواند در جلسات شرکت نماید و پنج ساعت وقت به ایشان و نمایندگان موافق وی تعلق دارد و هر طور که بخواهند می‌توانند تقسیم نمایند».

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۱۶۵، مورخه ۱۳۶۰/۰۳/۲۶، روزنامه رسمی شماره ۱۰۶۱۱.

۲. مجموعه نظریات شورای نگهبان دوره اول، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، خرداد ۱۳۹۰، ص ۷.



در نهایت به موجب ماده (۴) قانون مذکور، رأی‌گیری در مورد عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور علنی و با ورقه بود و نیازمند رأی دوسوم نمایندگان حاضر در مجلس بود. در صورت رأی دوسوم نمایندگان حاضر به عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور، موضوع به مقام رهبری جهت اعمال بند «۵» اصل یکصدودهم اعلام می‌شد.^۱ رأی مجلس به عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور در این دوره منجر به عزل رئیس‌جمهور توسط امام خمینی(ره) شد.^۲

با بازنگری در قانون اساسی و حذف پست نخست‌وزیری، قانونگذار اساسی علاوه بر اینکه وصف «سیاسی» را از عبارت «عدم کفایت سیاسی» حذف کرده و بند «۵» را به بند «۱۰» اصل یکصدودهم تبدیل کرد، ترتیب رسیدگی به موضوع عدم کفایت رئیس‌جمهور را در اصل هشتادونهم قانون اساسی مشخص نمود. البته در رابطه با رسیدگی به تخلفات رئیس‌جمهور از وظایف قانونی توسط دیوان عالی کشور ترتیب خاصی را مشخص نکرد.

۱. بررسی موضوع مسئولیت رئیس‌جمهور در قوانین اساسی برخی از کشورها

در اغلب کشورها رؤسای‌جمهور (که غالباً رئیس کشور نیز هستند) در دوره تصدی این منصب از مسئولیت سیاسی مبرا شناخته شده و صرفاً در موضوع جرائم مهمی

۱. اصل یکصدودهم...

۲. عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او.

۳. حسین مهرپور، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹.

چون «خیانت» امکان تعقیب و محاکمه آنها وجود دارد. البته در قوانین اساسی برای تعقیب و محاکمه رئیس‌جمهور در این‌گونه جرائم نیز ترتیبات خاصی در نظر گرفته شده است.

در کشور ایالات متحده آمریکا هرگاه رئیس‌جمهور به خیانت به کشور، ارتشا یا ارتکاب به سایر جرائم مهم متهم شود، کنگره می‌تواند وی را استیضاح کند و در صورت محکوم شدن از سمت خود عزل می‌شود (بند «۴» ماده (۲) قانون اساسی ایالات متحده آمریکا). برای این منظور، ابتدا مجلس نمایندگان در صورت مطرح شدن اتهام با تشکیل کمیسیونی به بررسی موضوع می‌پردازد و در صورتی که اکثریت اعضای مجلس نمایندگان به نتیجه گزارش مبنی بر ورود اتهام به رئیس‌جمهور رأی دهند موضوع به سنا ارجاع داده می‌شود و سنا وظیفه محاکمه رئیس‌جمهور را برعهده خواهد داشت. در هنگام محاکمه رئیس‌جمهور رئیس دیوان عالی کشور ریاست جلسات را برعهده خواهد داشت. اگر دوسوم نمایندگان سنا رأی به محکومیت وی دهند، رئیس‌جمهور از سمت خود برکنار می‌شود. پس از عزل رئیس‌جمهور از مقام خود، وی در دادگاه‌های عادی قابل تعقیب است.^۱ در عمل در دوره ریاست جمهوری نیکسون و کلینتون این اختیار مورد استفاده قرار گرفت. در مورد اول در سال ۱۹۷۴ رسیدگی به اتهام نیکسون به سنا ارجاع شد، اما پیش از اتمام رسیدگی، وی از این سمت استعفا داد. در مورد دوم نیز کلینتون مورد محاکمه قرار

۱. جعفر بوشهری، حقوق اساسی، چاپ اول، گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۲۶۰ و ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۳، ص ۴۶۸.



گرفت و تبرئه شد.^۱

در کشور فرانسه رئیس‌جمهور در رابطه با اقداماتی که در راستای انجام وظایف مرتکب می‌شود قابل تعقیب نیست و این عدم مسئولیت حتی پس از دوره ریاست‌جمهوری نیز ادامه دارد.^۲

به موجب ماده شصت‌وهفتم قانون اساسی فرانسه رئیس‌جمهور این کشور در قبال اعمال انجام شده در این سمت مشروط بر اجرای مفاد ماده پنجاه‌وسوم - دوم و شصت‌وهشتم قانون اساسی قابل تعقیب نیست.

به موجب همین ماده نمی‌توان از رئیس‌جمهور در طول دوران ریاست‌جمهوری در پیشگاه هیچ دادگاه یا مقام اداری فرانسه تقاضای شهادت نمود و یا علیه وی اقامه دعوا کرد و از وی بازپرسی نمود یا وی را مورد پیگرد قرار داد. البته دعاوی علیه وی مشمول مرور زمان نمی‌شود و اقامه دعوا و محاکماتی را که متوقف و معلق شده‌اند می‌توان یک ماه پس از اتمام مأموریت وی به جریان انداخت.

به موجب ماده شصت‌وهشتم قانون اساسی این کشور رئیس‌جمهور در صورت قصور از وظایف خود که به وضوح با انجام مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری مغایر باشد از مقام خود عزل می‌شود. مرجع رسیدگی به این موضوع دیوان عالی است که می‌تواند حکم عزل رئیس‌جمهور را صادر نماید.

۱. مجتبی واعظی، دادگستری اساسی (مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی فرانسه و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران)، جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰، صص ۱۲۴-۱۲۵.

۲. لوئی تروتابا و پل ایزوآر، حقوق عمومی (جلد اول-حقوق اساسی فرانسه)، ترجمه محسن شیخ‌الاسلامی، چاپ اول، کوشامهر، ۱۳۸۰، ص ۷۳.

پیشنهاد تشکیل دیوان عالی مصوب یکی از مجالس ملی و سنا سریعاً به مجلس دیگر ابلاغ می‌شود و مجلس دوم ظرف پانزده روز نظر خود را اعلام می‌کند. ریاست دیوان عالی را رئیس مجلس ملی بر عهده دارد. دیوان عالی ظرف یک ماه و به صورت محرمانه در خصوص عزل اعلام نظر می‌کند. حکم دیوان عالی بلافاصله نافذ است.

تصمیمات متخذه در راستای اجرای ماده حاضر با اکثریت دوسوم اعضای تشکیل‌دهنده مجلس مربوطه یا دیوان عالی اتخاذ می‌گردد.

به موجب ماده (۶۱) قانون بنیادین آلمان، مجلس نمایندگان و شورای ایالات می‌توانند رئیس‌جمهور را به نقض قانون اساسی یا قوانین فدرال متهم ساخته و موضوع را برای محاکمه رئیس‌جمهور به دادگاه قانون اساسی اعلام نمایند. دادگاه قانون اساسی می‌تواند قبل از محاکمه رئیس‌جمهور را از مقام خود معلق نماید و همچنین می‌تواند حکم به عزل رئیس‌جمهور دهد.^۱

بررسی قوانین اساسی کشورهای فوق بیانگر عدم مسئولیت سیاسی و مصونیت رؤسای‌جمهور در قبال جرائمی است که مرتکب می‌شوند (حداقل دارای مصونیت در دوره ریاست‌جمهوری هستند). این مصونیت رسیدگی به جرائم مهمی چون خیانت سیاسی و جرائم علیه امنیت کشور را شامل نمی‌شود. رسیدگی به این اتهامات رئیس‌جمهور در آغاز در پارلمان صورت می‌گیرد و سپس به محاکم خاص (مانند دادگاه قانون اساسی در آلمان و یا دیوان عالی عدالت در فرانسه) سپرده می‌شود.

۱. لویی فاورو، دادگاه‌های قانون اساسی، ترجمه علی‌اکبر گرجی از ندریانی، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹ و جعفر بوشهری، همان، ص ۲۳۵.



البته در آمریکا پس از رسیدگی به اتهامات رئیس‌جمهور در مجلس سنا اگر این مجلس اتهامات را وارد تشخیص دهد رئیس‌جمهور را عزل می‌نماید.

۲. تحلیل موضوع

براساس اصول پنجم و پنجاه و هفتم قانون اساسی^۱ ولایت امر و امامت امت در دوره غیبت امام عصر (عج) بر عهده ولی فقیه است و قوای سه‌گانه زیر نظر ایشان به انجام وظایف خود می‌پردازند. بر همین اساس نیز در اصول قانون اساسی ابزارهای مختلفی برای اعمال ولایت توسط رهبری در قوای سه‌گانه در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه انتخاب رئیس‌جمهور پس از رأی مردم به وی نیازمند تنفیذ و اذن ولی فقیه است، قانونگذار اساسی به موجب بند «۹» اصل یکصد و دهم قانون اساسی به امضای حکم رئیس‌جمهور توسط مقام رهبری تصریح نموده است. بر همین اساس با توجه به اینکه حکم رئیس‌جمهور توسط مقام رهبری تنفیذ می‌شود، صلاحیت عزل رئیس‌جمهور نیز در زمره صلاحیت‌های مقام رهبری بیان شده است. به همین دلیل است که رئیس‌جمهور صرفاً با رأی عدم کفایت مجلس شورای اسلامی و یا حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی عزل نمی‌شود و

۱. اصل پنجم: در زمان غیبت حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل پنجاه و هفتم: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

این مقام رهبری است که براساس تفوقی که بر قوای سه‌گانه و مصالح کشور دارد، در صورتی که عزل رئیس‌جمهور را با مصالح کشور و نظام مغایر نبیند اقدام به عزل وی می‌نماید. ممکن است شرایطی در کشور وجود داشته باشد که عزل رئیس‌جمهور به مصلحت نظام نباشد که در این صورت علیرغم اینکه مجلس شورای اسلامی رأی به عدم کفایت رئیس‌جمهور داده و یا اینکه دیوان عالی کشور حکم به تخلف وی از وظایف قانونی داده است، مقام رهبری رئیس‌جمهور را از مقام خود عزل نمی‌نماید.

۳. رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی توسط دیوان عالی کشور

بیان شد که به موجب اصل یکصد و دوم قانون اساسی پیش‌نویس، رئیس‌جمهور صرفاً در صورتی قابل عزل بود که سه‌چهارم نمایندگان مجلس با ارجاع موضوع اتهام وی به دیوان عالی کشور موافقت می‌کردند و این دیوان حکم به عزل وی می‌داد. البته این اختیار صرفاً در رابطه با اتهام خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور قابل اعمال بود.

این متن در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به‌عنوان یکی از اختیارات مقام رهبری به این شکل تغییر پیدا کرد که: «اتخاذ تصمیم درباره عزل رئیس‌جمهور به ترتیب زیر: «هرگاه رئیس‌جمهور به خیانت و تخلف از وظایف قانونی خود متهم شود و یا در مظان ضعف و ناتوانی در ایفای وظایف خود قرار گیرد، موضوع برای رسیدگی به مجلس شورای ملی ارجاع می‌شود.

مجلس به موضوع رسیدگی می‌کند و در صورتی که اکثریت رأی داد، پرونده را



برای محاکمه به شورای عالی قضایی می‌فرستد.

در صورت رأی شورای عالی قضایی به ثبوت اتهام، رهبری با در نظر گرفتن مصالح کشور تصمیم لازم را اتخاذ و اجرا می‌کنند.^۱

نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی با این استدلال که در نظر گرفتن شیوه و روندی خاص برای رسیدگی به تخلفات رئیس‌جمهور و دادن حق مداخله به مجلس شورای اسلامی در محاکمه وی علاوه بر اینکه مغایر موازین قضاوت در شرع است، فاقد توجیه حقوقی است با این متن مخالفت کردند^۲ و در نتیجه مباحثی که صورت گرفت متن به شکل فعلی مورد تصویب قرار گرفت.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ در ضمن «طرح تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های رئیس‌جمهور» در قالب فصل سوم و با عنوان «رسیدگی به تخلفات ناشی از مسئولیت‌های رئیس‌جمهور» طی ۸ ماده (مواد ۴۸) تا (۵۶)) اقدام به تعیین روند و شیوه رسیدگی دیوان عالی کشور به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی نمودند. البته تمامی این مواد توسط کمیسیون حذف شده^۳ و صرفاً یک ماده در این رابطه مورد تصویب نهایی قرار گرفت که ماده (۱۹) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران است. به موجب این ماده «رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، جلد دوم، ۱۳۶۴، ص ۱۱۴۰.

۲. همان، صص ۱۱۴۰-۱۱۵۳.

۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، جلسه دویست و شصت و هفتم، تاریخ ۱۳۶۵/۰۲/۱۴، روزنامه رسمی شماره ۱۲۰۱۹، ص ۳۲.

اختیارات رئیس‌جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است و در جرائم عادی از طریق دادگاه‌های عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس صورت می‌گیرد».

تبصره این ماده مقرر می‌دارد: «در هر کدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد».

براساس ماده (۴۹) طرح اولیه پیشنهادی، دو طریق برای به جریان افتادن رسیدگی به موضوع تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی در نظر گرفته شده بود.

- شکایات رسیده به کمیسیون اصل نود قانون اساسی،

- شکایات رسیده به دیوان عالی کشور.

به موجب ماده (۵۰) این طرح، شکایات رسیده به مراجع فوق پس از بررسی‌های مقدماتی در صورتی که در ارتباط با وظایف قانونی رئیس‌جمهور می‌بود، ظرف ۱۰ روز پس از ثبت در دفتر مخصوص به مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌شد. رئیس مجلس مکلف بود موضوع را برای تحقیق به کمیسیون سؤالات ارجاع دهد.

براساس ماده (۵۱) طرح، کمیسیون یک ماه فرصت داشت تحقیقات لازم را انجام دهد و آن را به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس ارجاع دهد و کمیسیون مذکور مکلف بود با مراجعه به اسناد و مدارک و مذاکره یا مکاتبه با نماینده رئیس‌جمهور، گزارش لازم را به رئیس مجلس تقدیم نماید.

ماده (۵۲) طرح مقرر می‌داشت رئیس مجلس باید حداکثر ظرف ۳ روز موضوع را در مجلس مطرح نماید و در صورت نظر کمیسیون بر عدم تعقیب، پرونده را بایگانی نماید. براساس این ماده در صورتی که رأی کمیسیون دائر بر تعقیب



رئیس‌جمهور بود، موضوع مورد بحث قرار می‌گرفت و در صورتی که دوسوم نمایندگان نظر کمیسیون را تأیید می‌کردند موضوع از طریق وزیر دادگستری برای رسیدگی به دیوان عالی کشور ارجاع می‌شد و در صورتی که مجلس نظر کمیسیون را تأیید نمی‌کرد پرونده بایگانی می‌شد.

بر اساس ماده (۵۳) طرح، هیئت عمومی دیوان عالی کشور پس از وصول پرونده با حضور هیئت منصفه و با دعوت رئیس دیوان عالی کشور تشکیل جلسه خواهد داد. هیئت عمومی پس از رسیدگی و اتمام محاکمه رأی خود را دائر بر وقوع تخلف و یا تبرئه رئیس‌جمهور اعلام می‌کند.

ماده (۵۴) طرح، حق دفاع و حضور در جلسات هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رابطه با بررسی اتهام وارده را برای رئیس‌جمهور و یا نماینده وی به رسمیت شناخته بود.

به موجب ماده (۵۵) طرح، حکم صادره جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به اطلاع مقام رهبری می‌رسید. ماده (۵۶) نیز محاکمه رئیس‌جمهور در هیئت عمومی دیوان عالی کشور را تا پیش از اتخاذ تصمیم مقام رهبری محرمانه دانسته و افشای آن را جرم‌انگاری کرده بود.

در هر صورت در حال حاضر تنها قانون مربوط به نحوه اعمال اختیار دیوان عالی کشور در رابطه با بند «۱۰» اصل یکصد و نهم قانون اساسی همان ماده (۱۹) قانون فوق‌الذکر و تبصره آن است و نحوه رسیدگی به این تخلف مشخص نشده است. البته عدم وجود قانون، مانعی جهت اعمال این اختیار توسط دیوان عالی کشور نیست و رئیس دیوان می‌تواند بر اساس گزارشات مورد وثوق واصله از مراجع

ذیصلاح مانند مجلس شورای اسلامی، کمیسیون اصل نود، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور یا هر گزارش موثق دیگری دستور شروع رسیدگی را صادر نماید.

در رابطه با اختیار دیوان عالی کشور در محاکمه رئیس‌جمهور به دلیل تخلف از وظایف قانونی موضوع بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی نکاتی قابل توجه است که باید مورد بررسی قرار گیرد:

سؤال اول: یکی از نکات مهمی که در رابطه با این بند از اصل یکصد و دهم قانون اساسی مطرح است این است که مقصود از «تخلف از وظایف قانونی» چیست؟ عبارت «تخلف از وظایف قانونی» ابتدا در پیش‌نویس قانون اساسی به صورت «خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور» بود که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی توسط گروه مربوطه به عبارت «خیانت و تخلف از وظایف قانونی» تبدیل شد. عبارت مذکور با این استدلال که «خیانت» و «تخلف از وظایف قانونی» دارای یک معنا بوده و باید یکی از آنها حذف شود به عبارت فعلی یعنی «تخلف از وظایف قانونی» که دایره بسیار وسیع و عامی دارد، تبدیل شد.^۱ البته برخی از نمایندگان با این بیان که عبارت «تخلف از وظایف قانونی» عبارت صریحی نیست معتقد بودند که باید از اصطلاح «خیانت» در این بند استفاده نمود^۲ یا اینکه موضوع در همین اصل تبیین شده

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، صص ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴.

۲. همان، ص ۱۱۹۶.



و مفهوم تخلف از وظایف قانونی مشخص شود^۱ که این امر مورد بررسی قرار نگرفت.

این نکته نیز قابل ذکر است که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، اصلی برای تعیین مرجع صالح جهت رسیدگی به جرم «خیانت سیاسی» رئیس‌جمهور مطرح شده بود که مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفت.^۲

برای تبیین مفهوم عبارت «تخلف از وظایف قانونی» لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که همان‌گونه که بیان شد در پیش‌نویس دو موضوع در قانون اساسی در رابطه با مسئولیت رئیس‌جمهور وجود داشت:

۱. مسئولیت وی و امکان عزل او به دلیل ثبوت اتهام «خیانت یا توطئه علیه

امنیت کشور»،

۲. محکومیت وی به دلیل جرائم عادی. با توجه به متن پیش‌نویس که روند تغییر

آن نیز توضیح داده شد «تخلف از وظایف قانونی» در مقابل «جرائم عادی» قرار داده شد به این معنا که قانونگذار اساسی هر چند که رئیس‌جمهور را فاقد مصونیت جزایی دانسته و وی را به دلیل ارتکاب جرم قابل تعقیب و مجازات می‌داند، اما آنچه که از مشروح مذاکرات قانون اساسی برمی‌آید این است که تدوین‌کنندگان قانون اساسی ارتکاب تخلفات قانونی (خواه جرم بوده و دارای ضمانت اجرای کیفری باشد یا صرفاً

۱. همان، ص ۱۱۹۸.

۲. اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی - هرگاه رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر یا وزیران به خیانت سیاسی متهم شوند دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم سیاسی به اتهام آنها رسیدگی می‌کند و چنانچه اتهام در زمان تصدی آنها باشد پرونده برای مجلس شورای ملی نیز فرستاده می‌شود تا درباره سؤال، استیضاح یا تعلیق متهم مقتضی اتخاذ شود. همان، صص ۱۳۵۳-۱۳۵۸.

تخلف از قانون اساسی یا عادی بوده و ضمانت اجرای کیفری نداشته باشد) را دخیل در ایجاد زمینه عزل رئیس‌جمهور توسط مقام رهبری دانسته و رسیدگی به این موضوع را در صلاحیت دیوان عالی کشور دانسته است.

همچنین عبارت «تخلف از وظایف قانونی» عبارتی عام است و هرگونه تخلفی را شامل می‌شود و در نهایت این مقام رهبری است که مرجع تشخیص این امر است که آیا تخلف صورت گرفته موجبات عزل رئیس‌جمهور را فراهم نموده است یا نه. در واقع دیوان کشور صرفاً این مطلب را که آیا نقض قانون صورت گرفته یا خیر؟ بررسی می‌کند و عزل رئیس‌جمهور براساس متن اصل یکصد و دهم قانون اساسی به عهده رهبری است.

براساس این رئیس‌جمهور در صورت ارتکاب جرم قابل تعقیب و مجازات است که به استناد اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی رسیدگی به این جرائم با اطلاع مجلس شورای اسلامی و در دادگاه‌های عمومی دادگستری صورت می‌گیرد. قانونگذار عادی رسیدگی به این جرائم را در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران قرار داده که در مورد این جرائم دادسرا حق ورود ندارد و دادگاه مستقیماً به موضوع رسیدگی کرده و اقدام به صدور حکم می‌نماید.^۱

۱. ماده (۴) «قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب»: «هر حوزه قضایی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شوند. دادگاه‌های حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاه‌های جزایی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود.

تخصیص شعبی از دادگاه‌های حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است. در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزایی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزایی ارجاع شود.



براساس ماده (۱۹) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران: «رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است و در جرائم عادی از طریق دادگاه‌های عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس صورت می‌گیرد».

به موجب تبصره این ماده: «در هر کدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد».

به موجب ماده (۵۷۶) «قانون مجازات اسلامی»^۱ هر گونه تخلف از وظایف قانونی جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است، ولی این امر ارتباطی به صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی نداشته و ممکن است که رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور از یکی از وظایف

تبصره - رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می‌شود در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد.

رسیدگی به کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرای و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضایی، استانداران، فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد به استثنای مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است».

۱. ماده (۵۷۶) - چنانچه هریک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفسال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

قانونی و یا ارتکاب یک جرم علیه امنیت کشور توسط وی در دادگاه کیفری استان تهران مورد رسیدگی و صدور حکم قرار بگیرد، ولی دیوان عالی کشور حکم به تخلف وی از وظایف قانونی با توجه به مفهومی که از این عبارت ذکر شد ندهد.

سؤال دوم: در رابطه با صلاحیت دیوان عالی کشور این نکته مطرح می‌شود که آیا دیوان عالی کشور به استناد این اصل می‌تواند اقدام به صدور حکم مجازات برای رئیس‌جمهور نیز بنماید یا خیر؟

بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی صرفاً صلاحیت صدور حکم به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی را به دیوان عالی کشور داده است و دیوان براساس این اصل صرفاً اعلام می‌نماید که آیا از نظر این نهاد عالی قضایی، رئیس‌جمهور مرتکب تخلف از وظایف قانونی شده است یا خیر^۱ و همان‌گونه که بیان شد رسیدگی به موضوع از جنبه جزایی در صلاحیت دادگاه‌های عمومی دادگستری است.

سؤال سوم: همچنین در رابطه با این اصل این نکته مطرح است که آیا مقصود از «دیوان عالی کشور» در بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی «رئیس دیوان عالی کشور» و یا «هیئت عمومی دیوان عالی کشور» است یا اینکه شعب این دیوان صلاحیت رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی را دارند؟

۱. سبحانی: «دیوان عالی کشور موضوع را احراز می‌کند و می‌گوید «هذا متخلف» بعد یک نفر لازم است که حکم را با موضوع منطبق کند و آن کس رهبر است». صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۱۱۹۸.



آنچه از پیشینه امر^۱ و همچنین مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی^۲ به نظر می‌آید این است که مقصود از بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی تعیین دیوان عالی کشور به عنوان مرجع رسیدگی به این امر است و قانونگذار اساسی وارد بیان جزئیات موضوع نشده و بر همین اساس تا هنگامی که قانونی در این رابطه تصویب نشده است این رئیس دیوان عالی کشور است که صلاحیت تصمیم‌گیری در رابطه با موضوع را دارد و می‌تواند رسیدگی به موضوع را به یکی از شعب دیوان ارجاع دهد و یا اینکه موضوع را در هیئت عمومی دیوان مطرح نماید.

سؤال چهارم: موضوع دیگری که در این رابطه مطرح می‌گردد این است که کدام مرجع صلاحیت طرح دعوی تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی را در دیوان عالی

۱. اصل یکصد و دوم قانون اساسی پیش‌نویس قانون اساسی: «چنانچه رئیس‌جمهور به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور متهم شود، مجلس شورای ملی باید به اتهام او رسیدگی کند و اگر سه چهارم همه نمایندگان مجلس رأی به تعقیب او دادند هیئت عمومی دیوان عالی کشور به اتهام رسیدگی و بر طبق قوانین عمومی، مجازات او را معین می‌کند. پس از رأی مجلس به تعقیب، تا صدور رأی نهایی دیوان عالی کشور رئیس‌جمهور از مقام خود معلق است و وظایف او را شورای موقت ریاست‌جمهور انجام می‌دهد».

«اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی - نخست‌وزیر و وزیران در صورتی که متهم به خیانت سیاسی یا توطئه بر ضد امنیت کشور گردند، اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رأی به تعقیب داد، هیئت عمومی دیوان عالی کشور رسیدگی به عمل می‌آورد». صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۱۳۱۶.

۲. بنی‌صدر: حالا اینکه دیوان کشور باشد یا شورای عالی قضایی، شورای عالی قضایی چگونه است؟ یک مقام اداره‌کننده دستگاه قضایی است این باید ناچار برود به دیوان کشور و دادگاه صالحه وقتی می‌گویند دیوان کشور باز در این مورد هم امتیازی نیست، چون مسئله ایجاد کردن رویه هم شأن با مجلس است مثل دیوان کشور و این هم مسئله‌ای است که مربوط به عزل ریاست‌جمهوری است قانون می‌گوید که این در صلاحیت آن دادگاه است اینکه عیبی ندارد. همان، ص ۱۱۵۱.

کشور داراست؟

قانونگذار اساسی در بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی صرفاً «مرجع رسیدگی» به تخلفات رئیس‌جمهور از وظایف قانونی را معین کرده است و با توجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تعیین مراجع صالح برای اعلام تخلف را به قانونگذار عادی محول نموده است.^۱ البته این امر مانع از انجام وظیفه مقرر در این بند توسط دیوان نیست و رئیس دیوان صلاحیت ارجاع موضوع تخلف را برای رسیدگی داراست.

سؤال پنجم: موضوع دیگری که در این رابطه مطرح می‌گردد این است که آیا بررسی موضوع در دیوان عالی کشور نیازمند صدور کیفرخواست توسط دادسرای دیوان عالی کشور است یا اینکه دیوان راساً به موضوع رسیدگی می‌نماید؟

با توجه به تبصره ماده (۱۹) «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران» رسیدگی در دیوان عالی کشور منوط به صدور کیفرخواست نیست و مستقیماً در دیوان صورت می‌پذیرد. به موجب تبصره این ماده: «در هر کدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد».

سؤال ششم: موضوع دیگری که در این رابطه مطرح می‌گردد این است که آیا اعمال اختیار موضوع بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی نیازمند قانون عادی است یا خیر؟



در پاسخ به این سؤال باید این نکته را مورد توجه قرار داد که بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی صرفاً در مقام بیان مرجع رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی است و تفصیل جزئیات مربوط به رسیدگی به این موضوع در قانون اساسی مشخص نشده است؛ مانند مواردی از قبیل روند رسیدگی به موضوع در دیوان عالی کشور و مرجع رسیدگی به موضوع (هیئت عمومی و یا شعب دیوان)، حق دفاع رئیس‌جمهور و یا حد نصاب مورد نیاز برای صدور حکم به تخلف.

اگر چه تصویب قانون توسط مجلس شورای اسلامی برای بیان جزئیات نحوه رسیدگی به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی در دیوان عالی کشور ضروری است ولی عدم وجود چنین قانونی نمی‌تواند موجب تعطیل شدن این بخش از قانون اساسی و مانع از رسیدگی دیوان عالی کشور به تخلف رئیس‌جمهور از وظایف قانونی باشد و رئیس دیوان عالی کشور می‌تواند موضوع را به شعب یا هیئت عمومی دیوان ارجاع دهد.

- رسیدگی به موضوع عدم کفایت رئیس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی

به موجب اصل یکصد و بیست و دوم قانون اساسی رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر مجلس شورای اسلامی مسئول است. همچنین اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد رئیس‌جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیئت وزیران است. قانونگذار اساسی به موجب بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی یکی از موجبات عزل

رئیس‌جمهور را رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتادونهم قانون اساسی تعیین نموده است.

بر این اساس، ضمانت اجرای مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر مجلس شورای اسلامی، حق مجلس به استیضاح وی و رأی عدم کفایت این نهاد به رئیس‌جمهور است که یک ضمانت اجرایی مؤثر بوده و می‌تواند موجبات عزل رئیس‌جمهور را در صورت صلاحدید مقام رهبری فراهم نماید.

گفته شد که پیش از بازنگری در قانون اساسی عبارت بند «۱۰» اصل یکصدودهم «عدم کفایت سیاسی» بود که بعد از بازنگری و تنزل شأن فرا قوه‌ای وی توسعه یافته و تبدیل به «عدم کفایت» شد که این امر موجب توسعه مسئولیت رئیس‌جمهور شده و مجلس می‌تواند براساس این اصل به دلیل عدم کفایت رئیس‌جمهور (اعم از عدم کفایت در اداره امور اجرایی و یا عدم کفایت سیاسی) اقدام به رأی عدم کفایت به وی نماید و موضوع را در راستای اعمال بند «۱۰» اصل یکصدودهم به مقام رهبری اعلام نماید.^۱

بند «۲» اصل هشتادونهم قانون اساسی روند رسیدگی به این موضوع را در مجلس شورای اسلامی بیان کرده و قانون آیین‌نامه داخلی مجلس نیز به تفصیل روند رسیدگی به استیضاح رئیس‌جمهور را مشخص کرده است.

به موجب بند «۲» اصل هشتادونهم قانون اساسی، در صورتی که حداقل یک‌سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت

۱. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۷۱.



قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس‌جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس‌جمهور، اکثریت دوسوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند (۱۰) اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

بند «دوم» از مبحث پنجم فصل دوم قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در رابطه با نحوه بررسی موضوع استیضاح و عدم کفایت رئیس‌جمهور است. به موجب ماده (۲۲۸) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس می‌توانند رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند. این استیضاح وقتی قابل طرح است که حداقل به امضای یکسوم نمایندگان برسد.

ماده (۲۲۹) این قانون مقرر می‌دارد: «تقاضای استیضاح رئیس‌جمهور که باید با ذکر موارد صریح و روشن و مستدل باشد، به رئیس‌مجلس داده می‌شود. این تقاضا باید در اولین جلسه قرائت شود و ضمن چاپ و توزیع بین نمایندگان برای رئیس‌جمهور ارسال گردد. در این صورت، رئیس‌جمهور باید ظرف یک ماه در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد».

براساس ماده (۲۳۰) قانون فوق «حداکثر وقت برای مذاکره موافقین و مخالفین پنج ساعت است که به تساوی و متناوباً انجام می‌شود. مدت صحبت برای هر یک از موافقین و مخالفین حداکثر نیم‌ساعت خواهد بود که با رأی مجلس تا یک ساعت قابل

تمدید می‌باشد».

ماده (۲۳۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس مقرر می‌دارد: «وقت برای توضیحات و پاسخ‌های رئیس‌جمهور جمعاً پنج ساعت می‌باشد. رئیس‌جمهور می‌تواند قسمتی از وقت خود را به نمایندگان موافق واگذار کند. این وقت اضافه بر فرصتی است که به موجب ماده قبل به آنان تعلق می‌گیرد».

براساس ماده (۲۳۲) این قانون «در صورتی که پس از بیانات نمایندگان موافق و مخالف و پاسخ رئیس‌جمهوری اکثریت دوسوم کل نمایندگان، به عدم کفایت رئیس‌جمهور رأی دادند، مراتب جهت اجرای بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی به اطلاع مقام رهبری می‌رسد. این رأی‌گیری مخفی و با ورقه خواهد بود».

در صورتی که مقام رهبری عزل رئیس‌جمهور را موافق مصلحت تشخیص دهد اقدام به عزل رئیس‌جمهور می‌نماید.

نتیجه‌گیری

براساس بند «۱۰» اصل یکصد و دهم دو روش برای ایجاد زمینه عزل رئیس‌جمهور وجود دارد:

۱. رأی دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی،

۲. رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی.

تحقق موجبات فوق می‌تواند منجر به عزل رئیس‌جمهور توسط مقام رهبری شود.

تفصیل نحوه رسیدگی دیوان عالی کشور در قانون اساسی بیان نشده است،



زیرا بند «۱۰» اصل یکصدودهم قانون اساسی صرفاً در مقام بیان مرجع رسیدگی به تخلفات رئیس‌جمهور از وظایف قانونی بوده و به بیان جزئیات نپرداخته است. دیوان می‌تواند هرگونه تخلف رئیس‌جمهور را مورد حکم قرار داده و در راستای وظیفه مقرر در بند «۱۰» اصل یکصدودهم قانون اساسی به مقام رهبری اعلام نماید و مرجع تشخیص این امر که آیا تخلفات صورت گرفته در حدی است که موجب عزل رئیس‌جمهور می‌شود یا نه ایشان است. صلاحیت دیوان در این موضوع صرفاً حکم به متخلف بودن یا نبودن رئیس‌جمهور است و دیوان به استناد این اصل نمی‌تواند مجازاتی برای رئیس‌جمهور تعیین نماید.

اگرچه برای تبیین جزئیات و نحوه اعمال صلاحیت دیوان عالی کشور در بند «۱۰» اصل یکصدودهم قانون اساسی، تصویب قانون عادی توسط مجلس شورای اسلامی ضروری می‌باشد، لکن عدم تصویب چنین قانونی نمی‌تواند موجب معطل ماندن این بخش از قانون اساسی مانعی برای اجرای آن شود و دیوان عالی کشور باید در مواقع وقوع تخلف به وظیفه قانونی خود در این رابطه عمل کرده و به موضوع رسیدگی نماید. البته چنانچه قانونی در این زمینه تصویب گردد می‌تواند حاوی موضوعات زیر باشد:

۱. مرجع صالح برای شکایت. شایسته است مراجع زیر برای طرح شکایت صالح شناخته شوند: سازمان بازرسی کل کشور (با توجه به شأن نظارت بر حسن اجرای قوانین)، مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات (با توجه به شأن نظارتی)، دادستان کل کشور (با توجه به شأن مدعی‌العمومی) و ...

۲. نمونه‌هایی از مصادیق تخلفات موضوع بند «۱۰» اصل یکصدودهم قانون اساسی.

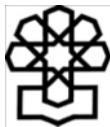
۳. مرجع رسیدگی به تخلفات موضوع این بند (رئیس دیوان عالی، هیئت عمومی دیوان عالی کشور یا شعب دیوان).
۴. شیوه رسیدگی به موضوع در دیوان عالی کشور. (به خصوص در نظر گرفتن حق حضور و دفاع برای رئیس‌جمهور و تعیین مهلت برای هر مرحله و ...).
۵. نقش یا عدم نقش دادستانی کل کشور و دادسرای دیوان عالی کشور در بررسی مقدماتی موضوع.
- در رابطه با موضوع رأی مجلس به عدم کفایت رئیس‌جمهور علاوه بر بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی، قانونگذار اساسی در بند دوم اصل هشتاد و نهم قانون اساسی جزئیات بیشتری را مورد اشاره قرار داده و در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز در مواد متعددی نحوه استیضاح رئیس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی مشخص شده است.

منابع و مأخذ

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۲. بوشهری، جعفر. حقوق اساسی، چاپ اول، گنج دانش، ۱۳۷۶.
۳. تروتا، لویی و ایزوآر، پل. حقوق عمومی (جلد اول - حقوق اساسی فرانسه)، ترجمه محسن شیخ الاسلامی، چاپ اول، کوشامهر، ۱۳۸۰.
۴. فاورو، لویی. دادگاه‌های قانون اساسی، ترجمه علی‌اکبر گرجی از ندریانی، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۸.



۵. قاسم‌زاده، قاسم. حقوق اساسی، تصحیح، تحشیه و پیش‌گفتار: علی اکبر گرجی ازندریانی، چاپ اول، جنگل، ۱۳۹۰.
۶. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۳.
۷. قانون اساسی فرانسه، معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۸. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان دوره اول، خرداد ۱۳۹۰.
۹. مهرپور، حسین. مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۰. واعظی، مجتبی. دادگستری اساسی (مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی فرانسه و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران)، جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۱. هاشمی، سیدمحمد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۳.
۱۲. پایگاه اینترنتی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
13. http://ical.ir/index.php?option=com_mashrooh&term=2&Itemid=38



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۱۹۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: نگاهی به ابعاد حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ۶. پیرامون نظارت در قلمرو حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران سوم: «تحلیل و بررسی بند «۱۰» اصل یکصد و دهم قانون اساسی»

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق عمومی)

تهیه و تدوین: ابوالفضل درویشوند

مدیر مطالعه: حجت‌الاسلام والمسلمین جلیل محبی

ناظر علمی: سیدحجت‌الله علم‌الهدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. استيضاح

۲. عدم کفایت

۳. تخلف از وظایف قانونی

۴. نظارت

۵. مسئولیت

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۰/۲۸